

## هنرهای جلفای نو

### نویسنده: آنی بابایان

در اواخر قرن پانزدهم میلادی / دهم هجری قمری موقعیت جغرافیایی جلفای قدیم، که در مسیر بازارهای شرق و غرب قرار داشت، این منطقه را تبدیل به یک مرکز تجاری مهم و کانون شکل‌گیری هنرها و حرفه‌های متنوع ساخته و سبب شکوفایی هنرهای بسیاری مانند طلاسازی، نقاشی دیواری، سوزن‌دوزی، خاچکار یا صلیب‌سنگی‌کننده‌کاری شده، قالیبافی، پارچه‌بافی، سفالگری، مینیاتور، کتاب‌آرایی و ... شده بود. هنرهای جلفای قدیم، که اساس هنر جلفای نو محسوب می‌شوند، نقشی بس مهم در انتقال سنت‌ها و هنرهای سنتی از قرون میانه به قرن هفدهم میلادی داشته‌اند.

آراکل داوریزتسی [1]، تاریخ نویس هم عصر واقعه کوچ ارمنیان جلفای قدیم به اصفهان، در کتاب خود، تاریخ، به استقبال و پذیرایی اهالی جلفای قدیم از شاه عباس اول (۱۶۰۳ میلادی) و فرش‌های گران‌بها، لباس‌های فاخر، بافته‌های با ارزش و زیورآلات قیمتی‌ای که به شاه هدیه شد اشاره و خاطرنشان می‌کند که این استقبال باشکوه مورد توجه شاه قرار گرفت و زمینه‌ای برای طرح ریزی مهاجرت اجباری ارمنیان به اصفهان شد [2].

پس از مهاجرت ارمنیان جلفای قدیم به جلفای نو با حمایت‌های شاه و بازرگانان ارمنی این منطقه به موازات اصفهان، پایتخت صفوی، توسعه یافت و در مدت بسیار کوتاهی تبدیل به یک کانون فرهنگی و هنری شد. در واقع، جلفای نو محل تجمع تجار، صنعتگران و هنرمندان شهرهای مختلف ارمنستان شرقی بود.

شرایط به وجود آمده در جلفای نو در قرن هفدهم میلادی / یازدهم هجری قمری منجر به شکل‌گیری و شکوفایی هنرهایی مانند طلاسازی، نقاشی دیواری، خاچکار یا صلیب‌سنگی‌کننده‌کاری شده که قالیبافی، سفالگری، کتاب‌آرایی، مینیاتور، مسگری، قلم‌زنی، میناکاری، منبت‌کاری، قالیبافی، قلمکار و همچنین هنرهایی مانند ملیله‌دوزی، گلدوزی، قلاب‌دوزی و ... شد. ارزش‌های زیبایی‌شناختی، هنری و تاریخی آنان همواره توجه پژوهشگران، محققان و موزه‌داران را به خود جلب کرده است.

میراث به جای مانده از جلفای نو مشتمل است بر آثار ادبی، شخصیت‌های فرهنگی و آثار هنری که به دلیل ویژگی‌ها و ارزش‌های مادی و معنوی منحصر به فرد خود در تاریخ فرهنگ و هنر جایگاهی خاص دارد.

آثار هنری به جای مانده از جلفای نو عبارت‌اند از آثار معماری و تزیینات وابسته به آن شامل نقاشی دیواری، کاشیکاری، گچبری، گره‌چینی و کنده‌کاری، در دو شاخه معماری مذهبی و غیرمذهبی، اشیای تزیینی، لوازم زندگی و ابزار مربوط به علوم و فنون مختلف که حاصل کار هنرمندان و صنعتگران جلفا و بازتابنده شرایط اجتماعی و تنوع حرفه‌های آن دوران‌اند. در این نوشتار و در حد حوصله این مقال، تنها به بررسی شاخص‌ترین این آثار هنری پرداخته ایم.

### خاچکار

خاچکار یا صلیب‌سنگی‌کننده‌کاری شده از هنرهای رایج ارمنیان قرون میانه است. قدمت استفاده از سنگ‌های در نزد ارمنیان زیاد است و پس از پذیرش مسیحیت این یادبودهای سنگی را خاچکار نامیدند.

خاچکارها بسته به تاریخ و هدف ساخت آنها از نظر اندازه و نوع نقش‌ها و تزیینات متفاوت‌اند. در جلفای قدیم علاوه بر ساخت خاچکار برای موضوعات رایجی چون ثبت پیروزی‌ها، برپایی بناهای جدید، ثبت خاطره‌های ملی و معرفی بنیان‌کلیساها، سنگ‌قبر شخصیت‌های مهم را نیز به صورت خاچکار می‌ساختند.

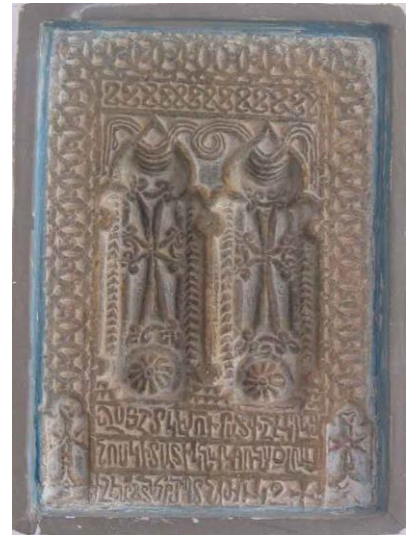
برای تزیین خاچکارها از تصاویر مذهبی مانند تصاویری از زندگی عیسی مسیح، نقش‌های هندسی و تصاویری نظیر صلیب، انگور، برگ نخل، درخت زندگی، حیوانات، پرندگان اسطوره‌ای و واقعی و ... که نماد تداوم زندگی و جاودانگی‌اند، استفاده می‌کردند همراه با نوشته‌هایی که هدف برپایی خاچکار، نام‌بانی و تاریخ ساخت آن را مشخص می‌ساخت. گاهی نیز بر روی خاچکار دعا می‌نوشتند. مهارتی که در تزیین این خاچکارها به کار می‌رفت هم سبب زیبایی و ظرافت آنها می‌شد و هم از سنگینی سنگ‌ها می‌کاست.

آخرین شاهکارهای خاچکار متعلق به قبرستان ارمنیان جلفای قدیم است [3]، در ۱۶۴۸ م/ ۱۰۵۸ هـ ق نزدیک به ده هزار سنگ قبر با کنده کاری عالی، در ۱۹۸۹ م/ ۱۴۰۹ هـ ق حدود ۲۶۵۰ سنگ قبر و در ۲۰۰۵ م/ ۱۴۲۵ هـ ق به دنبال سیاست های ترکیه و آذربایجان مبنی بر از بین بردن آثار متعلق به ارمنیان قسمت اعظم این شاهکارهای حجاری از بین برده شدند. ارمنیان جلفای قدیم با مهاجرت به اصفهان سنت ساخت و نصب خاچکار را نیز به جلفای نو منتقل کردند و بانیان کلیساها و خیران خاچکارهایی در اندازه های کوچک و بسیار ساده در کلیساها به یادگار گذاشتند. در جلفای نو مرسوم بود بر روی سنگ قبر افراد حرفه یا هنر وی را به صورت نقش برجسته نشان می دادند لذا از روی این سنگ قبرها می توان دریافت چه هنرها، حرفه ها و فنونی نزد ارمنیان متداول بوده. هنر حجاری بر روی سنگ قبر در سده های هفدهم و هجدهم میلادی در جلفای نو استمرار سنت ساخت خاچکار در جلفای قدیم است. آبراهام گورگنیان (۱۹۰۸-۱۹۹۱ م) نخستین نقاشی است که از روی طرح های سنگ قبرهای متعلق به سال های ۱۶۰۰- ۱۹۵۰ م، که نقش بیش از پنجاه پیشه بر روی آنها حجاری شده، طراحی کرده است. و بخشی از آثار وی هم اکنون در موزه کلیسای وانک نگه داری می شود.



خاچکار با صلیب سنگی کنده کاری شده  
قرن هفدهم، کلیسای مریم مقدس،  
جلفای نو اصفهان

طرح برداشته شده سنگ قبر از  
قبرستان آرامنه جلفای نو توسط  
آبراهام گورگنیان، تاریخ سنگ قبر  
۱۷۳۱ م



خاچکار با صلیب سنگی کنده کاری  
شده ۱۶۰۲، اثر گریگور، جلفای قدیم



خاچکار با صلیب سنگی کنده کاری  
شده ۱۶۰۲، جلفای نو



## معماری

بنا بر نیازهای موجود در دوران صفویه معماری پایتخت آن، اصفهان، نیز متحول شد و بناهای بسیاری نظیر قصر، مسجد، باغات، حمام، دروازه، گورستان، پل و ... در آن برافراشته شدند که بسیاری از آنها هنوز پابرجا هستند. در همین ایام جلفای نو نیز با توجه به آنکه زمین آن مسطح و مناسب شهرسازی بود در مدت کوتاهی توسعه یافت و محلات آن شکل گرفتند [4] و در آنها خانه های مسکونی، مدارس، آرامگاه ها، حمام ها و کلیساها بنا شدند. آثار معماری جلفای نو به دلیل آمیختگی سبک معماری ارمنی و ایرانی در آنها در تاریخ معماری بی نظیرند .



کلیسای بیت اللحم مقدس، جلفای نو  
اصفهان، ۱۶۲۸م



فضای داخلی کلیسای بیت اللحم  
مقدس، جلفای نو اصفهان

## تزیینات وابسته به معماری

رقابت بین جلفا و اصفهان منجر به ایجاد شباهت هایی در شیوه نقاشی های دیواری شده که حاکی از ارتباط نزدیک هنرمندان سده هفدهم میلادی/ یازدهم هجری قمری است.

در بناهای این دوره جلفا از روش های متنوعی استفاده شده که شاخص ترین آنها عبارت اند از تمپرا و رنگ روغن بر روی گچ. با توجه به اینکه استفاده از رنگ روغن برای نقاشی در ایران نخستین بار از دوره صفویه رایج شد نقاشان ایرانی در این اسلوب مهارت کافی نداشتند.

((شاید اجرای پرده های بزرگ اندازه به نقاشان خارجی مقیم اصفهان و یا نقاشانی چون میناس سپرده می شد و شاید هم نوعی همکاری در این زمینه میان هنرمندان ایرانی و خارجی برقرار بود. به هر حال این گونه نقاشی ها از سبک واحد و معینی برخوردار نبودند ولی عموماً ماهیت التقاطی داشتند)) [5].

از دیگر تزیینات وابسته به معماری آن دوران می توان به آینه کاری، تزیینات روی سنگ مرمر، کنده کاری نقوش و خطوط بر روی سنگ، کتیبه های گچبری برجسته، تزیینات پرده سازی، کاشی کاری، لایه چینی و تزیینات طلاچسبان، نقوش تزیینی بر روی گچبری برجسته یا نقوش تزیینی ای که بر روی زمینه سفید نقاشی می شد و کشته بری تزیینات به صورت حاشیه سازی اشاره کرد. در کلیساها و بناهای ارمنی از کتیبه هایی به خط ارمنی نیز استفاده می شد. مضمون این کتیبه ها عبارت بود از معرفی بانی یا بانیان بنا همراه با ذکر نام اعضای خانواده وی و به ندرت، نام هنرمندانی که بر روی آن بنا کار کرده بودند. استفاده از زبان و خط ارمنی در این کتیبه ها گامی بود در جهت تحکیم هویت ارمنیان.



بهشت نقاشی دیواری کلیسای بیت اللحم مقدس، جلفای نو اصفهان



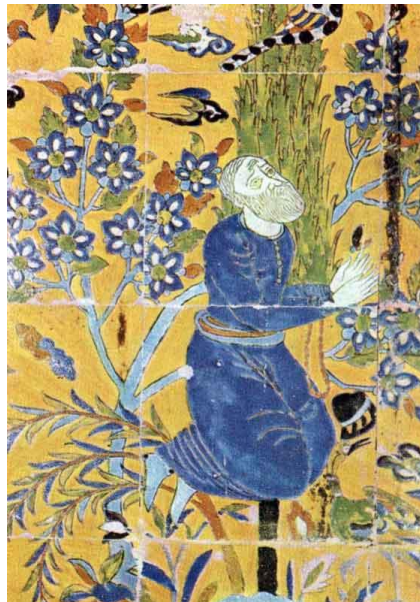
عیسی چهل روزه در معبد، نقاشی دیواری کلیسای وانک، ۱۶۶۴-۱۶۵۵م



تزیینات کلیسای بیت اللحم مقدس، جلفای نو اصفهان

## کاشی کاری کلیساها

در قرن هفدهم میلادی/ یازدهم هجری قمری، در اصفهان، برای تزیین دیوارهای خارجی و داخلی بنا از روش کاشی کاری به شیوه های هفت رنگ، معقلی و معرق استفاده می کردند. در جلفا، این شیوه را برای تزیین نمای داخلی به کار می بردند. روش کاشی کاری در کلیساهای جلفا و مساجد اصفهان و رنگ های به کار رفته در این کاشی کاری ها یکی است و در بین آنها تنها تفاوت هایی در نوع کاربرد نقش و آرایش رنگ وجود دارد.



قسمتی از کاشی کاری کلیسای مریم مقدس، جلفای نو اصفهان



ورودی شمالی کلیسای گئورگ، ۱۶۱۱م

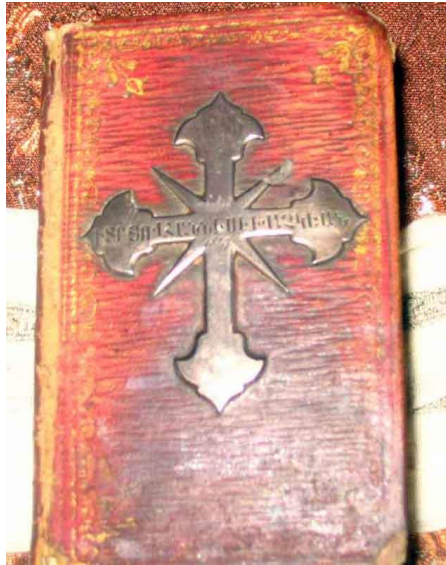


قسمتی از کاشی کاری فضای بیرونی کلیسای بیت اللحم مقدس، جلفای نو اصفهان

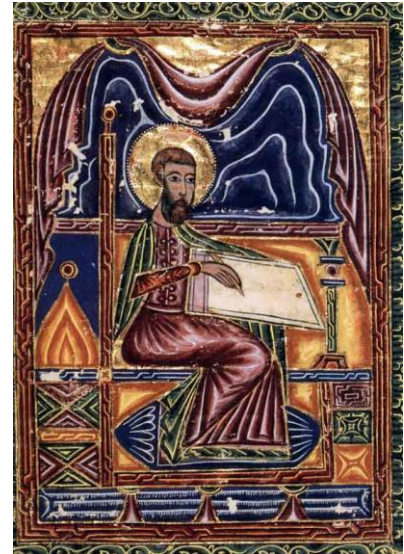
## کتابت و مصورسازی

در بین ارمنیان مهاجر، هنرمندان نگارگر بسیاری بودند که در جلفای نو به فعالیت هنری خود ادامه دادند. مسروب خیزانی [6]، هایرابید [7] و هاگوب [8] جلفایی نقاشان مهاجری بودند که سرپرستی کارگاه های نگارگری ای را که زیر نظر کلیساها تشکیل می شد بر عهده داشتند. هریک از این نقاشان دستاوردهای هنری زادگاه خود را به همراه آورده بودند. همکاری این هنرمندان با یکدیگر و فعالیت های هنری آنان منجر به شکل گیری مکتب جلفای نو در نگارگری و کتاب آرایشی شد.

مکتب جلفای نو اولین گام برای پیوند هنرهای تجسمی سنتی قرون میانه ارمنیان به هنر اروپایی بود. در این مکتب، نگارگری سنتی به نقاشی قرن بیستم منتقل شد، شرایط برای چهره نگاری و طبیعت گرایی در هنر نقاشی فراهم آمد و نقاشی از چهارچوب تصویرگری کتاب های مذهبی خارج و به شیوه ای نو تفسیر شد. این تغییر و تحول ناشی از شیوه زندگی ارمنیان و ادراک آنها از هنر و ارتباطات اجتماعی و فرهنگی آنان با ایرانیان و اروپاییان بود.



نمونه ای از تجلید کتاب مقدس،  
جلفای نو اصفهان



اثر مسروب خیزانی، قرن هفدهم  
میلاادی، جلفای نو اصفهان

### سوزن دوزی و پرده دوزی

در جلفا از سوزن دوزی، گلابتون و قلمکار برای تزئین جلد کتاب های خطی، پرده ها و لباس های روحانیان استفاده می شد. با مشاهده لباس های روحانیان در موزه کلیسای وانک می توان دریافت که سوزن دوزی با نقوش خاص در جلفای نو مرسوم و از جمله هنرهای رایجی بوده که دختران می بایست آشنایی کامل با آن می داشتند.



خویر، کلاه مخصوص روحانی، قرن  
نوزدهم، جلفای نو اصفهان



پرده سوزن دوزی شده، جلفای نو اصفهان

### فلزکاری و زرگری

برای آشنایی با هنر جواهرسازی، طلاکاری و منبت هنرمندان ارمنی جلفای نو کافی است به صندلی سلطنتی ای اشاره ای کنیم که زاکار سارهدایان آن را در ۱۶۶۰ م به الکسی میخائیلویچ، تزار روسیه، تقدیم کرد. از این صندلی، که در ساخت آن ۸۹۷ قطعه الماس، ۱۲۹۸ قطعه

مروارید و یاقوت های ریز و درشت، ۱۸۳۰ قطعه فیروزه نیشابوری، طلا، نقره، چوب های مرغوب، پارچه های مخمل مشکی، ابریشم قرمز و کرباس زرد اعلا به کار رفته، برای تاج گذاری استفاده می شد و امروزه، در موزه ادوات جنگی مسکو نگهداری می شود.

در کلیساها نیز اشیاء و ظروف مورد استفاده اکثراً از جنس نقره اند و هنرمندان جلفایی نهایت ظرافت و دقت را در ساخت آنها به کار بسته اند. صلیب به منزله نماد به صلیب کشیده شدن مسیح جایگاه ویژه ای در میان اشیاء کلیسا دارد. صلیب کلیسای ارمنیان دارای شکلی خاص است. چهار دست آن با هم برابرند و از مرکز آن شعاع های شمس به اطراف تابانده می شوند.

ظرف روغن متبرک باید از جنس نقره باشد اما در تزیینات آن محدودیتی وجود ندارد و بستگی به توان مالی اهدا کننده یا سفارش دهنده دارد. مرسوم است که این ظرف به شکل کبوتر، نماد روح القدس، باشد.

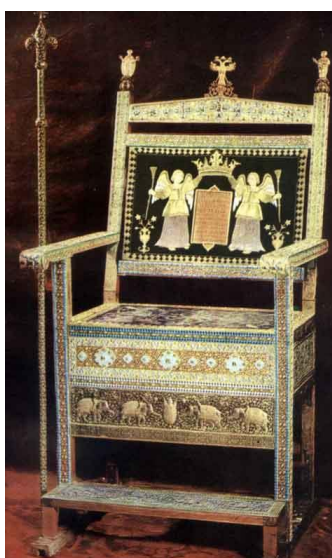
کُندرسوز، ظرف قابل حمل مخصوص سوزاندن کندر است که اکثراً به شکل کلیسای اجمیادزین، نماد کلیسای ارمنیان ساخته می شود. جام شراب نیز ظرفی است در برگرفته شراب نماد خون عیسی مسیح که امکان تبرک نان خاص ن شخار، بدن عیسی، در آن وجود دارد .



صلیب، جلفای نو اصفهان



کندرسوز، ظرف کندر، جام شراب، قرن



صندلی سلطنتی مرصع، قرن هفدهم  
میلاادی، جلفای نو اصفهان

قالی بافی سابقه ای دراز در نزد ارمنیان دارد. این هنر در دوره صفویه در اصفهان رونق بسیاری یافت. ارمنیان مهاجر در جلفای نو، روستاهای چهارمحال و بختیاری و فریدن کارگاه های قالی بافی دایر کردند و سنت قالی بافی را ادامه دادند. قالی های بافته شده به دست ارمنیان به لحاظ نقش و رنگ دارای ویژگی هایی خاص اند و در ایران به ارمنی باف شهرت دارند. متأسفانه، به علت پراکندگی فرش های بافته شده تحقیقات کاملی درباره آنها صورت نگرفته است.



قسمتی از قالی بافت جلفای نو اصفهان

#### منابع:

- بلر، شیلا؛ بلوم، جانانان. هنر و معماری اسلامی. ترجمه اردشیر اشراقی. تهران: صدا و سیما، ۱۳۸۱.
- پاکباز، روئین. دایره المعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
- \_\_\_\_\_ . نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. تهران: زرین و سیمین، ۱۳۸۳.
- رائین، اسماعیل. ایرانیان ارمنی. تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۶.
- داوریژتسی، آراکل. تاریخ. ایروان: [بی نا]، ۱۹۸۸.
- دروهانیان، هاروتون. تاریخ جلفای اصفهان. اصفهان: کلیسای وانک، ۱۹۸۰.
- غازاریان، مانیا. هنرهای تجسمی ارمنیان در قرن پانزدهم و هجدهم. ایروان: [بی نا]، ۱۹۷۴.

#### پی نوشت ها:

### 1- Arakel Davrijetsi

وی در ۱۶۵۱ م/ ۱۰۶۱ هـ ق به سفارش جازلیق وقت تاریخ را تدوین کرد و در ۱۶۶۲ م/ ۱۰۷۳ هـ ق آن را به اتمام رسانید. او اولین کسی است که اثرش در زمان حیاتش در ۱۶۶۹ م/ ۱۰۸۰ هـ ق در (قرن هفدهم) آمستردام به چاپ رسید. این کتاب، تاریخ ارمنیان را در مقطع تاریخی ۱۶۰۲ م/ ۱۰۱۱ هـ ق تا ۱۶۶۲ م/ ۱۰۷۳ هـ ق در بر می گیرد که شامل جنگ های ایران صفوی و ترکیه عثمانی، مهاجرت اجباری ارمنیان به فرمان شاه عباس، شخصیت های مهم این سالیان و همچنین احوال ملل دیگر همچون ایرانیان، یهودیان، گرجی ها و غیره است.

2- آراکل داوریژتسی، تاریخ (ایروان: بی نا، ۱۹۸۸)، ص ۳۱ و ۳۲.

3- قدیمی ترین خاچکاری که به دست ما رسیده مربوط به قرن نهم میلادی (۸۷۹ م) است.

4- محدوده در ابتدای تأسیس از کناره زاینده رود تا چهار سو بود و اولین خیابان آن که به موازات زاینده رود کشیده شده بود به احترام خواجه نظر به اسم او نام گذاری شده بود. محلات جلفا عبارت بودند از: میدان بزرگ، میدان کوچک، چهارسوق، هاکوب جان (محله حصیرباف ها)، قاراکل داورژ یا تبریزی ها یا محلات.

پس از مهاجرت ارمنیان از جلفای قدیم به جلفای نو شهرنشینان در داخل شهر اصفهان، تبریزی ها و دشتی ها در محله شمس آباد و ایروانی ها و گاسک ها در محله ترواسکان در کنار نارین قلعه و دیگر مناطق اصفهان اسکان داده شدند. در سال های بعد، شکایت غیر مسیحیان به شاه



عباس دوم باعث شد تا در ۱۶۵۵ م / ۱۰۶۵ هـ ق به فرمان شاه ارمنیان ساکن اصفهان به جلفا منتقل شوند و به این ترتیب محلات جدید ایروانی ها، نخجوانی ها، گاسک ها و کوچر یا سنگتراش ها به وجود آمدند.  
محلات جلفا عبارتند از: میدان بزرگ، میدان کوچک، چهارسوق، هاکوپ جان (محلہ حصیرباف ها)، قاراگل، داورژ یا تبریزی ها یا محلات.  
5- رویین پاکباز، دایره المعارف هنر (تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱).

6- Mesrop of Khizan

7- Hayrapet

8- Hakoop